

The Civilization Approach to Political Freedom in the Holy Quran

Received: 2019-10-18

Accepted: 2019-12-03

Seyed Kazem Seyedbaqeri *

The purpose of the present study is to examine the civilized approach of the Qur'an to political freedom through an inferential-interpretive method. In this regard, we have discussed the political freedom and the constituent elements of civilization in the Holy Quran and the civilizing elements of freedom in this scripture. The results show that, according to the literature and logic of the Holy Quran, the major elements of civilization in political freedom can be traced to three elements: "free and independent", "freedom-seeking society", and "state-guaranteed and freedom-guaranteed state". The element, together, in an interactive-evolutionary process, will be an appropriate context for open-mindedness, knowledge production, and taking the first steps to shape Islamic civilization.

Keywords: The Holy Quran, Civilization, Political Freedom, Islamic State, Freedom Seeking, Modern Islamic Civilization, Free Society.



* Associate Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran (sbaqeri86@yahoo.com).

رویکرد تمدنی به آزادی سیاسی در قرآن کریم*

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۶

تاریخ تأیید: ۹۸/۹/۱۲

سید کاظم سیدباقری**

هدف پژوهش حاضر، بررسی رویکرد تمدنی قرآن به آزادی سیاسی با روش استنباطی - تفسیری است؛ لذا تلاش کرده‌ایم تا ظرفیت‌های آزادی سیاسی را برای ظهور تمدن نوین اسلامی بررسی کنیم. در این راستا، آزادی سیاسی و عناصر سازنده‌ی تمدن در قرآن کریم و عناصر تمدن‌ساز آزادی در این کتاب آسمانی را مورد بحث قرار داده‌ایم. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند با توجه به ادبیات و منطق قرآن کریم، عوامل عمده‌ی تمدن‌ساز در آزادی سیاسی را می‌توان در سه عنصر: "فرد آزاد و مختار"، "جامعه‌ی آزادی‌خواه" و "دولت بسترساز و تضمین‌گر آزادی" پی‌جویی کرد، حضور این سه عنصر در کنار یک‌دیگر و در فرایندی تعاملی - تکاملی، بستری مناسب برای آزاداندیشی، تولید دانش و برداشتن گام‌های آغازین جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تمدن، آزادی سیاسی، دولت اسلامی، آزادی‌خواهی، تمدن نوین اسلامی، جامعه‌ی آزاد.



* این مقاله مربوط است به همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» که در دفتر تبلیغات اسلامی در بهمن ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد.

** دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (sbaqeri86@yahoo.com).

"تمدن اسلامی"، پای در نرم‌افزاری قوی به نام قرآن کریم دارد؛ آن‌سان که "تمدن مسلمین" در دوران طلایی گذشته، با عمل به درصدهای قرآنی سامان یافت، هرچند که نمی‌توان آن را تمدن اسلامی به معنای دقیق کلمه دانست. تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که اصلی‌ترین پشتوانه‌ی نظری آن، قرآن کریم و آموزه‌های برآمده‌ی از آن باشد. آموزه‌هایی که هر کدام به‌عنوان جزئی تأثیرگذار می‌توانند جامعه‌ی اسلامی را به‌سوی تمدنی برتر و اسلامی-انسانی راهبری کنند و سامانه‌ای متفاوت را شکل دهند که آن‌ها را از تمدن‌های رقیب خود جدا نماید.

قرآن، کتاب تمدن‌ساز است؛ جامعه‌ی اسلامی باید با بهره‌ی از قرآن و منابع راهبردی خود و تلاش دوچندان، راهبردنویسانی توانا، راهی متفاوت و نگاهی تازه پیش روی شهروندان خویش قرار دهد. داده‌های تاریخی نشان می‌دهند که در تمدن اسلامی، ادبیات آزادی سیاسی، نحیف و لاغر است و با توجه به آن که غالب دولت‌هایی که به نام اسلام و به کام خود حاکم بوده‌اند، تلاشی سنجیده انجام داده‌اند تا این بحث و لوازم آن فراموش شود. با این همه، نبود سابقه‌ی نوشتاری به معنای آن نیست که بن‌مایه‌های نظری آزادی سیاسی در کلام الهی و اندیشه‌ی سیاسی اسلام وجود ندارد، بلکه با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی در تمدن اسلامی، موقعیت طرح زاویه‌ی سیاسی آن فراهم نشده است. در دوره‌ی معاصر، بحث از آزادی سیاسی، به شکلی جدی در میان روشنفکران، اندیشوران مسلمان و عالمان سیاسی مطرح شد و زوایای گوناگون آن از منظرهای مختلف کاوش گردید. برای نمونه، مرحوم نایینی، "تنبيه الامة و تنزيه الملة" را در دفاع از مشروطه نوشت که به‌راستی باید آن را رساله‌ای در باب عدالت و آزادی و بیانیه‌ای در برابر استبداد خواند. وی در این کتاب بیان می‌کند که الحق، بحث آزادی یکی از شاه‌مغذیه‌های عالم است و کشف حقیقت آن هم از همه، اهم و الزم است. (غروی نائینی، ۱۳۵۸، ص. ۹۶) شهید صدر نیز در کتاب "الحرية في القرآن" (۱۴۱۲ق) به مباحثی هم‌چون آزادی، محدودکردن آزادی، آزادی در تمدن غربی، آزادی اسلامی، آزادی درونی و حوزه‌ی اجتماعی و معنی عدم اجبار در دین پرداخته است.

یکی از عناصر سازنده و رشددهنده‌ی تمدن‌ها، "آزادی" است. اصلی که در شکل‌گیری تمدن جدید اسلامی، نقشی کلیدی بازی می‌کند، آزادسازی مردم و جوامع از بندگی نفس، طاغوت‌ها و نظام‌های خودکامه است. این امر مبتنی بر اندیشه‌ای استوار در



کلام الهی است که انسان را آزاد می‌خواهد و آنان را در مقابل مستبدین ترغیب به قیام می‌کند. در بنیاد هر تمدن، تا زمانی که آزاداندیشی، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی تعاملات فکری، آزادی سیاسی و نقد و گفتگو وجود نداشته باشد، نهضتی علمی برپا نمی‌شود؛ و تا علم و دانش شکل نگیرد، نمی‌توان امیدوی به پیدایش تمدن داشت.

این نوشته می‌کوشد تا رویکرد تمدنی قرآن کریم به آزادی سیاسی را واکاوی کرده و ظرفیت‌های آن را برای ظهور تمدن نوین اسلامی جست‌وجو نماید. به بیان دیگر، در قرآن کریم چه نگرشی به آزادی سیاسی وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تمدنی متفاوت در جامعه‌ی بشری گردد؟ در فرضیه بر این امر تاکید شده است که بر اساس ادبیات و منطق کلام الهی، عوامل عمده و اساسی تمدن‌ساز در آزادی سیاسی را می‌توان در سه عنصر: "فرد آزاد و مختار"، "جامعه‌ی آزادی‌خواه" و "دولت تضمین‌گر آزادی و تمدن‌ساز" ردیابی کرد. حضور این سه عنصر در کنار یکدیگر، بستر مناسبی را برای آزاداندیشی و تولید دانش فراهم می‌کند و در نوبت بعد، موجب برداشته‌شدن گام‌های آغازین جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌گردد. تلاش شده است که این امر با روش استنباطی-تفسیری و مراجعه به قرآن کریم و برداشت‌های مفسران واکاویده شود.

۱. بیان مفاهیم

۱.۱. تمدن اسلامی

«تمدن به معنای گسترده یعنی نه فقط رفاه در زمینه‌ی ضرورت‌های روزانه، بلکه هم‌چنین پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ای بالاتر برکشد» (یوکیچی، ۱۳۷۹، صص. ۵۲-۵۳). در تعاریف صاحب‌نظران تمدنی، چهار تلقی از آن وجود دارد: الف. تمدن، به‌مثابه پدیده‌ای تاریخی؛ ب. به‌مثابه فرایند حرکت به وضعیت برتر؛ ج. به‌عنوان نظام‌واره‌ی زنده‌ی اجتماعی و ه. سلوک زیست و تعامل گروه‌های انسانی (بهمنی، ۱۳۹۸، صص. ۲۳-۳۰).

در میان مسلمانان، خواجه نصیر معتقد است انسان، در جامعه به کمال و سعادت می‌رسد؛ چراکه انسان موجودی کمال‌گرا و غایت‌گراست و این مهم جز در زندگی اجتماعی میسر نیست. وی در اخلاق ناصری می‌نویسد: «چون وجود نوع انسان، بی‌معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت بی‌اجتماع محال است، پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع و این نوع اجتماعی که شرح دادیم، تمدن خوانند» (همان، ص. ۲۵۱).





محمدتقی جعفری (۱۳۷۵) با عطف نظر به تمدن اسلامی می‌نویسد:

تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه، که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویران‌گر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید؛ به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به‌فعلیت‌رسیدن استعدادهای سازنده‌ی آن‌ها باشد. (ج ۶ ص ۲۳۳)

با توجه به مجموعه‌ی مطالعات تمدن‌پژوهان می‌توان هسته‌ی مرکزی تمدن را در چند امر رصد کرد. اول آن که هر تمدنی، یک جامعه است، ولی هر جامعه‌ای را نمی‌توان تمدن دانست. دوم، هر تمدنی دارای خاستگاهی عقلانی است که می‌توان آن را فرهنگ آن تمدن دانست. سوم، هر تمدنی دارای مجموعه‌ی نظام‌های اجتماعی، هم‌چون نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و نظام سیاسی است (بابایی، ۱۳۹۳، صص. ۳۸-۳۹).

در مجموع می‌توان گفت که تمدن اسلامی، مظهر و جلوه‌ی مجموعه‌ای از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای برآمده از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است که در سامانه‌ای همگن با دستاوردهای تعالی‌بخش، موجب رشد و شکوفایی استعدادهای انسان و جوامع بشری در عرصه‌های مادی و معنوی می‌گردد.

۱،۲. آزادی سیاسی

برای آزادی بیش از ۲۰۰ تعریف ذکر شده است (برلین، ۱۳۷۹، ص. ۱۴). هابز^۱ (۱۵۸۸-۱۶۷۹) در «لویاتان»^۲، آزادی را دال بر نبود مخالفت می‌داند. جان لاک^۳ (۱۶۳۲-۱۷۰۴) آن را قدرتی می‌داند که انسان برای انجام یا احتراز از عملی خاص داراست؛ از نظر کانت^۴ (۱۷۲۴-۱۸۰۴) آزادی عبارت است از استقلال و رهایی از هر چیز به‌جز قانون اخلاقی (موریس گرنستون، ۱۳۷۰، صص. ۵۰-۱۳). در تعریفی دیگر بر معنای مصون‌ماندن از اراده‌ی مستبدانه تاکید شده است (آقابخشی، ۱۳۸۲، ص. ۷۵). السدیر مک‌اینتایر^۵ آزادی را استقلال

1. Thomas Hobbes.
2. Leviathan.
3. John Lock.
4. Immanuel Kant.
5. Alasdair MacIntyre.

اجتماعی افراد در ارتباط با دیگران تعریف می‌کند (MacIntyre، 2001، ص. ۳۳). "آمارتیاسن" در کتاب "توسعه به‌مثابه آزادی" می‌نویسد که آزادی، نبود شرایط محدودکننده برای افراد و انجام فعالیت برای ایجاد شرایط مطلوب است (Sen، 2000، ص. ۶۳).

به‌طور کلی در آزادی سه عنصر و مقوله وجود دارد: "آزادی‌خواه"، "نبود مانع" و "هدف". آزادی سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که اشخاص و تشکل‌های سیاسی در انجام‌دادن رفتارهای سیاسی مطلوب و برخورداری از حقوق اساسی از محدودیت‌ها و موانعی که دولت‌ها ممکن است در برابر آن‌ها ایجاد کنند، رها و آزاد باشند (میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، ص. ۱۰۸) و آزادی خود را برای رسیدن به هدفی مشخص به کار گیرند.

از منظری دیگر، برخی آزادی را در دو نوع منفی و مثبت بررسی کرده‌اند. در آزادی منفی^۱ انسان از هرگونه اجبار و تحمیل آزاد است و می‌تواند بدون محدودیت دست به هر کاری بزند. در این نوع "آزادی از"^۲ وجود دارد؛ با این تعبیر و خوانش، آزادی سیاسی عبارت است از قلمرویی که در آن، شخص می‌تواند هر عملی را که می‌خواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع او شوند. با نگرش سیاسی، آزادی از زندان، آزادی از بیگانگان، آزادی از سلطان ستمگر، آزادی از ارباب و آزادی از قید و زنجیرهای سیاسی که بر دست و پای آدمی بسته شده است، مطرح می‌گردد. در آزادی مثبت^۳ که مرحله‌ی پس از آزادی منفی است، مجال برای اظهار وجود، اعمال اراده، طراحی و برنامه‌ریزی فراهم می‌شود. در این نوع، "آزادی برای"^۴ یا "آزادی در" مطرح است. به بیان دیگر، هرچند آزادی سیاسی غالباً در نوع منفی آن به رهایی از محدودیت‌ها و اجبارهای نامعقول بیرونی در رفتارها تفسیر و تعبیر می‌شود (Liberty, Berlin، ص. ۱۲)، اما این آزادی به تمرین و عملیاتی کردن حقوق، استعدادها و قابلیت‌ها اطلاق می‌شود (Taylor، 1985، ص. ۲۱۱).

1. Negative freedom.
2. Freedom from.
3. positive freedom.
4. Freedom to.





با توجه به منطق و ادبیات قرآن کریم، آزادی منفی اگر به معنای آن باشد که فرد بتواند بدون هرگونه مانعی هر رفتاری را در عرصه‌ی سیاسی انجام دهد، طبعاً پذیرفتنی نیست؛ زیرا ارزش‌ها، هنجارها و آموزه‌های الهی باید بر رفتار سیاسی همگانی حاکم باشند. بنابراین، آزادی مثبت مورد توجه قرار می‌گیرد، چراکه در راستای رسیدن به حقوق و شکفتن استعدادهاست.

مراد ما از "آزادی سیاسی" آن است که افراد، گروه‌ها و تشکل‌ها برای انجام فعالیت‌های مطلوب سیاسی بتوانند و مجال داشته باشند که با گذر از بندهای درونی، از موانع بیرونی سیاسی-اجتماعی و تحمیل ظالمانه‌ی قدرت، رهایی یافته و با برخورداری از حقوق شهروندی، در جهت کمال انسانی حرکت کنند. در این تعریف، هم موانع درونی و هم موانع بیرونی در نظر گرفته می‌شوند. با این وصف، آزادی سیاسی در برابر بندگی سیاسی و نظام‌های استبدادی قرار می‌گیرد که در آن‌ها، حقوق بنیادین سیاسی-اجتماعی شهروندان انکار می‌شوند و محدودیت‌های گوناگون تحمیل می‌گردند.

۲. تمهید نظری

بر اساس ظرفیت‌هایی که در متون اندیشه‌ی اسلامی وجود دارد، دین اسلام توان ایجاد تمدن را داشته و دارد. اسلام در دوره‌ی جدید، اندیشمندانی را لازم دارد تا با نگاه نظام‌واره^۱، جامع و کلان، گوهرهای تمدنی را از درون منابع اسلامی بیرون کشند و به اندیشه‌ورزی بیش‌تر و ژرف‌تر پردازند و زمینه‌ی راهبردها، برنامه‌ها و رفتارهای تمدنی را آماده سازند. «اسلام فقط یک مذهب نیست؛ اسلام خالق و جوهره‌ی جاودانی یک تمدن بزرگ جهانی با سابقه‌ای دیرینه است که چهارده قرن را دربر گرفته است» (نصر، ۱۳۸۵)؛ بهترین دلیل این مدعا، ظهور تمدن درخشان اسلامی در قرن‌های سوم تا ششم هجری است.

قرآن کریم، انسان را موجودی آزاد معرفی می‌کند. مؤلفه‌ای بنیادین که بدون آن، هیچ سازه و تمدنی برپا نمی‌شود. انسان آزاد، پایه‌ی استوار و نرم‌افزار تمدن است. «فرایندی که طی آن، گروه انسانی متمدن می‌شود، فرایندی است که طی آن اعضای گروه انسانی به فاعلانی آزاد و مختار تبدیل می‌شوند؛ فاعلانی که اراده‌ی آزاد دارند و آن را اعمال

1. Systematic.



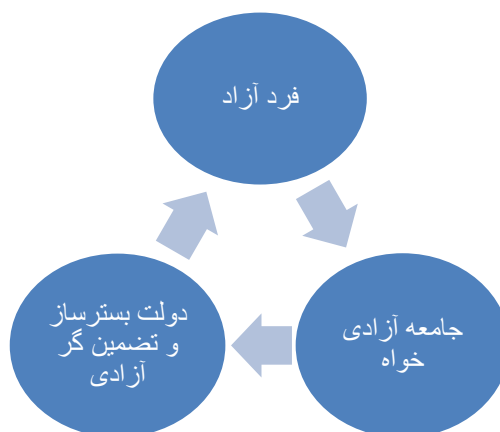
می‌کنند. اراده‌ی آزاد داشتن، مستلزم آگاه‌بودن از آزادی است. این آگاهی از آزادی همان احترام به خود است؛ اذعان به آزادی خود، پیوندی ناگسستنی با اذعان به آزادی دیگرانی دارد که فرد با آن‌ها روابط اجتماعی دارد. اذعان به آزادی دیگران همان احترام به آن‌هاست» (کالینگوود، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۲). با آزادی در روابط اجتماعی و تعامل با دیگران، زمینه‌ی احترام، تکریم و اشتراک‌گذاری باورها و سبک زندگی فراهم می‌آید. «وقتی افراد در قبال یک‌دیگر مراقبت، احترام و عشق واقعی نشان دهند، به‌جای محوکردن فردیت خود، با تسامح و انعطافی که خرج می‌دهند، فردیت را با یک‌دیگر به اشتراک می‌گذارند. این به اشتراک‌گذاری باعث مقاومت دیگر نگرش‌ها می‌شود» (جیکوبسن، ۱۳۹۸، ص. ۷۴).

فروید در مطالعات خود پیرامون سرشت تمدن‌ها بر این باور بود که در برابر "قدرت فرد" که به‌عنوان قدرت کور محکوم می‌شود، "قدرت جامعه" حق جلوه داده می‌شود. نشاندن قدرت جامعه به‌جای قدرت فرد، گام قاطع تمدن است (پاول، ۱۳۹۸، ص. ۲۴۲).

«در خلال فرایند تمدن‌سازی، فرد و جامعه باهم تغییر می‌کنند. هر یک از این دو، بخشی از دیگری را شکل می‌دهند؛ برای داشتن تمدن، وجود فرد متمدن ضروری است» (مزلیش، ۱۳۹۸، ص. ۵۴۹). از سوی دیگر، افراد و جامعه به‌تنهایی نمی‌توانند به‌سوی تمدن راهبری کنند، بلکه دولت و قدرت است که برنامه‌ریزی و حرکت به‌سوی تمدن را زمینه‌چینی می‌کند. به‌تعبیر "بروس مزلیش" نیروی دیگری که در تحول تمدنی نقش اساسی دارد، حکومت است؛ نقش قدرت مرکزی، ضرورت تاریخی و لازمه‌ی محدودکردن تعدی‌گری‌های اشراف است. (همان، ص. ۵۵۰). منظور از دولت، کلیت ساختار سیاسی حاکم بر یک قلمرو است.

آن فرایندی به تمدن‌سازی و تحولی تاریخی منجر می‌شود که در آن، شخصیت، تغییرات اجتماعی و حکومت، ناخواسته و بدون برنامه‌ریزی قبلی، همبسته‌ی یک‌دیگرند (همان). یعنی سه‌گانه‌ی "فرد، جامعه و دولت آزاد"، گام آغازین برای حرکت به‌سوی ایجاد تمدن است. فرد آزاد، گام نخست برای ساخت جامعه‌ی آزاد است و جامعه‌ی آزاد، تن به دولت خودکامه نمی‌دهد و طبعاً باید قوانین آزادی و حقوق شهروندی را رعایت کند. در تعامل و رفت و برگشت میان این سه عنصر - که مرتبط با حوزه‌ی حکمت عملی است -

زمینه‌ی شکل‌گیری تمدن نیز فراهم می‌شود. با توجه به آن که رویکرد تمدنی، رویکردی نظام‌مند، کلان‌نگر و فراگیر است، قطعاً شکل‌گیری تمدن منحصر در این سه نیست و عناصر و مؤلفه‌های متعدد دیگری باید دست به دست هم دهند تا تمدن شکل بگیرد؛ اما این رویکرد، پایه و بنیاد برای حرکت تمدنی است.



فرایند تعاملی - تکاملی سه‌گانه‌ی فرد، جامعه و دولت در جهت تمدن

۳. آزادی سیاسی و عناصر سازنده‌ی تمدن در قرآن کریم

مبانی و منابع تمدن‌ساز، بسترساز دگرگونی هستند. سه عنصر عمده‌ی سازنده‌ی هر تمدن را باید در شهروندان، جامعه و دولت آن جست‌وجو کرد. این که هر مکتب، مبانی و نرم-افزارهای آن چگونه به این سه می‌نگرند، می‌تواند راهگشای تحلیل‌های اثربخش در فهم مساله باشد. در ادامه تلاش می‌کنیم با بررسی این سه عنصر از منظر قرآن کریم، پیامدهای برآمده از آن‌ها را در آزاداندیشی و تولید علم کاویده، و نقش بنیادی‌شان را در شکل‌گیری تمدن مطلوب اسلامی روشن‌تر نماییم.

۳.۱. فرد آزاد و مسئول، سازنده‌ی تمدن

در قرآن کریم، انسان مطلوب انسانی است صالح (نحل، ۹۷ و رعد، ۲۹)، مؤمن (رعد، ۲۹) و مسئول (اسراء، ۳۶). همه‌ی این عناصر بر پایه‌ی اختیار (انسان، ۳) و آزادی معنادار می‌شوند؛ یعنی با نبود آزادی، هیچ تمدنی شکل نمی‌گیرد. قرآن در اشاره به آزادی انتخاب می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید: «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف، ۲۹).

به طور کلی ملاک شرافت و احترام آزادی انسان این است که او در مسیر انسانیت باشد، نه انسان را در هر چه خودش انتخاب می‌کند؛ ولو بر ضد انسانیت باشد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص. ۲۲۴). تفاوت اساسی این نگرش با نگرش غربی آن است که آزادی در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، رهایی از پیروی هر کس به جز خداوند است. آدمی پس از رسیدن به آن آزادی اصیل مجال می‌یابد تا در جامعه نیز از بند طاغوت‌های قدرت‌مدار و زرسالار رهایی یابد، درحالی که در اندیشه‌ی سیاسی غرب، انسان، آزاد از هر قیدی حتی خداوند است.

در نگره‌ی اسلامی، انسان صالح، مؤمن، تلاش‌گر، آزاد و مسئول، نرم‌افزار تمدن است؛ با وجود چنین انسانی، زمینه‌ی برداشتن گام‌های دیگر از جمله جامعه‌ی آزاد و دولت تمدن‌ساز فراهم می‌شود. در قرآن کریم، انسان موجودی دارای کرامت، معرفی می‌شود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰). این کرامت، برای همه‌ی انسان‌هاست و تمام شهروندان به‌عنوان کارگزاران تمدن و یاری‌گران دولت اسلامی به‌شمار می‌آیند. جامعه‌ای که در آن فقر، فساد، تبعیض، ناعدالتی و استبداد وجود داشته باشد، کرامت انسان رعایت نمی‌شود؛ لذا وظیفه‌ی حکومت و جامعه‌ی اسلامی آن است که سامانه‌ای را فراهم کنند و سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌ای را تنظیم نمایند که این کرامت حفظ شود. شهروندان رهاشده از استبداد، مردم دارای حدکفاف معیشت، جامعه‌ی قانونمند و دارای قوانین سنجیده و عادلانه، کرامت انسان را تأمین می‌کنند و می‌تواند نخستین قدم برای شکل‌گیری تمدن باشند. به‌بیان موسوی زنجانی (۱۳۴۰)، بر اساس آیات قرآن، آزادی فکر و آزادی در بیان و قلم و آزادی در عمل، نه‌تنها یکی از حقوق مسلم انسان، بلکه از مشخصات و حدود انسان است؛ نباید فکر کسی را خفه کرد و یا زبان آن دیگری را فرو بست و یا قلم این یکی را درهم شکست (ص. ۱۹۸).

از سوی دیگر، منطبق و قانون اسلام به انسان‌ها هشدار می‌دهد که شهروندان نمی‌توانند آزادی خود و دیگران را زیر پا بگذارند. «اسلام اجازه می‌دهد که فکر انسانی، آزاد باشد و آن را اعلام کند، اما تا زمانی که از آن قاعده و مبنای فکری که بنیاد حقیقی برای ارائه‌ی آزادی انسان است، تمرد و سرپیچی نکند. اسلام به انسان، شخصیتی آزاد و کریمانه می‌بخشد تا در برابر شهوات، از میان نرود و در مقابل بت‌ها سر خم نکند» (صدر، ۱۴۲۸، ج ۵، ص. ۱۰۷).





آسیب نرساند، بلکه باید به آزادی خود نیز آسیب نرساند. او ضمن آن که باید به محدودیت‌های قانونی تن در دهد و آزادی دیگران را تهدید نکند، باید آزادی خود را نیز در نظر داشته باشد. پس انسان حق ندارد آزادی سیاسی خود را محدود کند، یا به طاغوت‌ها و ستم‌ها گردن نهد. چنین است که در فرهنگ اسلامی انظلام و ظلم‌پذیری نیز به شدت نکوهش شده است؛ زیرا فرد با پذیرش ستم دیگران و انفعال، سکوت و بی‌خیالی در قبال امور جامعه، آزادی خویش را زیر پا نهاده است؛ درحالی‌که این امر ممنوع است. او نمی‌تواند حقوق سیاسی- اجتماعی خود را همانند آزادی دیگران به خطر اندازد و اختیار و مهار خویش را در اختیار دیگران قرار دهد.

در سرشت انسان، آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، آرمان‌خواهی و جویندگی برای جامعه‌ی مطلوب وجود دارد. تجلی این مفاهیم در فطرت اجتماعی انسان است. فطرتی که به انسان حریت می‌دهد و او را به عصیان در برابر تحمیلات اجتماعی توانا می‌سازد تا جایی که فرد می‌تواند جامعه‌ی خودش را عوض کند و به‌رغم جریان جامعه، در جهت خلاف آن حرکت کند و مسیر جامعه را شدیدتر یا کُندتر سازد. حتی می‌تواند مسیر جامعه و تاریخ را متوقف یا عوض کند (مطهری، ۱۳۷۰، ص. ۲۳۱ و ۱۳۷۵، ص. ۳۲۰).

آزادی در همه‌ی کاربردهای آن، دلالت بر نفی سلطه‌ی غیر دارد؛ لیکن زیربنای فکری و عقیدتی آن در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف متفاوت است. آزادی در فرهنگ غربی یک حق طبیعی برای انسان‌هاست؛ لذا آن‌ها می‌توانند از حق خود گذشته و آزادی خویش را محدود سازند، ولی اسلام با لغو همه‌ی بت‌هایی که سد راه بشر و قیدی بر دستان انسان است، به هیچ‌وجه اجازه‌ی لغو آزادی و پذیرش بندگی دیگران را نمی‌دهد.

آزادی از دیدگاه اسلام، رافع مسئولیت نیست؛ بلکه انسان، مسئول حفظ آزادی خویش است. آزادی در غرب تنها به لغو سیطره‌ی دیگران کفایت نمی‌کند، بلکه عبارت است از اعتقاد به سیطره‌ی هر انسان بر جهان و اراده‌ی خویش که منتهی به قطع رابطه با خداوند و جهان آخرت می‌شود. آزادی غربی بر مبنای اومانیسزم و انسان‌مداری استوار است و آزادی اسلامی بر توحید و ایمان مبتنی است (معموری، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۸). بنابراین، دیدگاه اسلام درباره‌ی آزادی، به‌طور بنیادین با آنچه در تمدن غربی است، متفاوت می‌باشد. این آزادی در نگرش و معنی سلبی، انسان را از سیطره دیگران رها می‌سازد و قیده‌ها و زنجیرهایی که دستان او را بسته است، درهم می‌شکند و یکی از اهداف رسالت آسمانی می‌گردد: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷).

۳،۲. جامعه‌ی آزادی‌خواه، تمدن‌ساز

اختیار و آزادی و در کنار هم بودن افراد نمی‌تواند به‌تنها به تشکیل جامعه‌ی آزاد بیانجامد؛ رویارویی با موانع به‌وجود نمی‌آید و مهم‌تر از همه، سازه‌ای به‌نام "دولت" ساخته نمی‌شود که آزادی را تضمین کند. از این بزنگاه است که نیروی اراده و طلب آزادی، نقشی بنیادین را بازی می‌کند. جامعه باید مطالبه‌گر و آزادی‌خواه باشد تا پیرو و برده‌ی دیگران نشود؛ چه بسا جوامعی که تک‌تک افراد آن در امور شخصی و گاه اجتماعی دارای اختیارند، اما مجموعه‌ی آن‌ها جامعه‌ی آزادی به‌شمار نمی‌آیند. شهید مطهری (۱۳۷۳) در تعریف آزادی اجتماعی می‌گوید:

[باید افراد] در ساحت اجتماعی از ناحیه‌ی سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشند؛ دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند؛ او را محبوس نکنند؛ به‌حالت یک زندانی در نیاورند که جلو فعالیت‌اش گرفته شود؛ دیگران او را استثمار، استخدام و استعباد نکنند؛ یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به‌کار نگیرند. این را می‌گویند آزادی اجتماعی. (ص. ۱۴)

شهید صدر (۱۴۲۸) معتقد است:

آزادی در اندیشه‌ی اسلام به عقیده‌ای ایمانی بازمی‌گردد که خداوند را یگانه می‌داند و یقینی ثابت، مبنی بر این که او بر هستی چیرگی دارد. هر قدر که این یقین در جان مسلمان ریشه یابد و نگرش توحیدی او به‌سوی خداوند تمرکز یابد، نفس و جان او نیرومندتر می‌شود و احساس او به کرامت و آزادی خویش، ژرفایی می‌یابد و اراده‌ی او در برابر طغیان، ستم و برده‌کشی دیگران محکم‌تر می‌شود. (ج ۵، ص. ۹۳)

قرآن کریم تأکید می‌کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴).

رویکرد آزادی در تمدن مطلوب اسلامی، تشکیل جامعه‌ای است که به‌سوی ارزش‌های الهی حرکت کند. در واقع، رویکرد قرآن کریم بر این پایه ایستاده است که جامعه‌ی اسلامی را از تعصب، جهل و نادانی، که همه در واژه‌ی "جاهلیت" نمود دارد، گذر دهد. ویژگی این‌گونه جوامع آن بود که عدالت، کرامت، علم، دانایی و آزادی در آن‌ها به قربانی فرستاده می‌شد و کسی را یارای مقابله با سنت‌های غلط نبود. خفقان علمی و سرکوب سیاسی - اجتماعی چندان فراگیر بود که کسی نمی‌توانست با آن‌ها مقابله کند. آزادی، گوهری نایاب در آن جامعه بود. انبیای الهی و پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمده بودند تا آن





زنجیرهای بر دست و پا و عقل مردم را باز کند و مردم را رهایی بخشد (ر.ک. اعراف، ۱۵۷). پیامبر گرامی اسلام ﷺ در بیان رسالت خویش می‌فرماید که آمده است تا مردم را از عبادت بندگان و بت‌های دروغین به سوی بندگی خداوند راهبری کند: «فَاتِي أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ عِبَادَةِ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ وَأَدْعُوكُمْ إِلَىٰ وِلَايَةِ اللَّهِ مِنْ وِلَايَةِ الْعِبَادِ» (میانجی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۱۵۷).

در همین گستره، آن حضرت تلاش کرد تا مردم را از جامعه‌ی جاهلی به سوی جامعه‌ی اسلامی هدایت کند. قرآن کریم از چهار جاهلیت بحث کرده است که هر کدام مظهري از فساد آن جامعه و مانع شکل‌گیری تمدن هستند. احکام الهی می‌خواهد تا جوامع را از "حُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ"، "تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ" (احزاب، ۳۳)، "حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ" و "ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ" رهایی بخشد. یعنی گاه بحث از آن است که افراد، گرفتار پندارهای جاهلی و انگاره‌های نادرست درباره‌ی خداوند نشوند: «يُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ» (آل عمران، ۱۵۴)؛ گاه پیروی از باورها و احکام غلط جاهلی نقد می‌شود: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ». خداوند می‌فرماید: آیا حکم جاهلیت را می‌جویند؟ حال آن که «برای مردمی که اهل یقین هستند چه حکمی از حکم خدا بهتر است؟ (مائده، ۵۰). در سوره‌ی فتح، خداوند به یکی از موانع مهم ایمان‌پذیری و آزاداندیشی اشاره می‌کند که همانا تعصب‌های بی‌پایه و حمیت‌های وهم‌آلود است: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» (فتح، ۲۶). جامعه‌ای به آزادی می‌رسد که از همه‌ی این جاهلیت‌ها رهایی یابد.

باید توجه داشت که «زندگی جاهلانه، مفهومی کلی است که مصادیق و مراتب متفاوتی دارد» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱، ص. ۳۳). در قرآن کریم آمده است که نیالودن ایمان به ستم، آرامش‌آور است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲). در این آیه، ظلم، به شکل نکره آورده شده و در سیاق نفی است تا افاده‌ی عمومیت کند و هرگونه ستمی را شامل شود؛ هرچند بیش‌تر دایره‌ی ظلم اجتماعی را که وسیع‌تر و خطرناک‌تر است، شامل می‌شود. در تفسیر "من هدی القرآن" ذیل این آیه آمده است که آیا ستم طاغوتی، بیش‌تر امنیت می‌آورد یا جامعه‌ی عادلانه‌ی همراه با تمدن؟ آزادی از ترس ستمگر ما را بر آن می‌دارد تا آزادانه در کمال آرامش به جست‌وجوی حقیقت پردازیم؛ از آن ترسیم و توان یابیم؛ در این موقعیت است که به هدایت می‌رسیم. آغاز هر دانشی، با احساس امنیت است؛ گویی از همین روی است که در آیه‌ی مبارکه، هدایت بعد از امنیت است (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص. ۱۲۰).



هم‌چنین بر اساس سخن الهی، جامعه‌ی آزاد و عادل، جامعه‌ای است که به پیرامون خویش، حساس و مطالبه‌گر است. رشید رضا می‌نویسد، مشهور آن است که حکومت اسلامی بر اصل شورا استوار است؛ آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی آل عمران بهترین دلیل بر این امر است و حتی دلالت آن آیه‌ی «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) بیش‌تر و قوی‌تر می‌باشد. زیرا در این آیه، از یک وصف برای طایفه‌ای مخصوص خبر می‌دهد و بیش‌ترین دلالتی هم که دارد، آن است که مشورت امری پسندیده و ستایش‌شده نزد خداوند است. آیه‌ی «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹) نیز دلالتی قوی‌تر بر مشورت دارد؛ زیرا امر حاکم به رایزنی اقتضای وجوب دارد، اما آن‌گاه که ضامنی برای امتثال رأی شورا وجود نداشته باشد، اگر حاکم مشورت را ترک کرد، چه باید کرد؟ آیه‌ی امر به معروف فرض را بر آن می‌گیرد که در جامعه، جماعتی متحد و قدرت‌مند وجود دارند که عهده‌دار امر به معروف و نهی از منکر هستند؛ و این شامل همگان، اعم از حاکمان و فرمانبران، می‌شود و هیچ‌معروفی بالاتر از دادگری و منکری زشت‌تر از ظلم نیست (رشید رضا، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۳۹). وی سپس به حدیثی اشاره می‌کند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: نخستین کاستی که بر بنی‌اسرائیل وارد شد این بود که هرگاه مردی با مردی خلافکار روبه‌رو می‌شد، به او می‌گفت: ای مرد! از خدا بترس و گناه نکن که این کارها بر تو روا نیست. اما فردای آن روز وی را با همان وضع خلاف‌کاری و گناه مشاهده می‌کرد. ولی برای این که هم‌کاسه و هم‌پیاله و هم‌نشین او باشد، او را از گناه منع نمی‌کرد. پس چون این‌گونه رفتار کردند، خداوند دل‌های آن‌ها را به‌جان یک‌دیگر انداخت. آری؛ به‌خدا سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ستمگر را بگیرید و او را با زور هم که شده، به‌سمت حق بکشانید (أبی‌داود، ۱۳۷۲، حدیث ۳۷۷۶).

۳-۳. دولت، بستر ساز و تضمین‌گر آزادی

یکی از عناصر کلیدی و عمده برای شکل‌گیری هر تمدنی، دولت‌ها هستند که برآمده از شهروندان و جامعه‌ی آزاد هستند. دولت‌هایی که بر اساس فرهنگی قوی، ارزش‌های متعالی و برنامه‌های سنجیده حرکت کنند، می‌توانند بستر ساز آزادی باشند؛ آزادی جامعه را ضمانت کنند و آن را در سمت‌وسوی پیدایش یک تمدن جهت دهند. ابن مسکویه (۱۴۳۹ق) معتقد است که اصولاً دولت و شهریار، سازنده‌ی مدنیت است و می‌نویسد:



سیاسی‌شان با رغبت و اکراه، وادار می‌کند و نگهبان سلسله مراتب افراد جامعه و زندگی آنان

است تا به بهترین روش ممکن جریان پیدا کند. (ص. ۶۳)

«در نظام سیاسی، قدرت به‌مثابه یک عامل بیرونی، که مصداق آن دولت است، در حوزه‌های مختلف تمدنی اثر می‌گذارد و البته در اثرپذیری از قدرت، تفاوت‌های بسیاری میان تمدن‌ها وجود دارد. در نظام‌های استبدادی، قدرت به‌مثابه یک عامل بیرونی، تمامی حوزه‌های اجتماعی اعم از دین، علم، اخلاق، اقتصاد و حتی نظام تاریخی در آن تمدن را درمی‌نوردد و همه را در راستای اهداف فردی و سیاسی درمی‌آورد؛ اما در نظام‌های مردم‌سالار، قدرت و دولت به‌منزله‌ی یک نهاد اجتماعی، کارکرد محدودتری پیدا می‌کند» (بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۴۹).

اگر ساختار و سازمان حکومت به‌گونه‌ای عمل کند که روابط استبدادی و خودکامه بر زندگی شهروندان حاکم شود، آن جامعه استبدادزده، اولین گوهری را که از دست می‌دهد، آزادی است؛ به‌دنبال آن نیز عدالت و کرامت و آرامش روحی و روانی خویش را از دست می‌دهد. طبعاً در این زمین شوره‌زار، تمدنی پای نخواهد گرفت.

بر اساس منطق قرآن کریم، دولتی مطلوب است که در برابر جامعه مسئول باشد و راهبردها و برنامه‌هایی را سامان دهد که آزادی را تضمین کنند. بخشی از این امر با محدودسازی قدرت سیاسی انجام می‌شود تا حاکمان نتوانند هرگونه دوست دارند و دلخواه آنان است، عمل کنند. لذا حدود الهی، مصلحت جامعه‌ی اسلامی و منافع عمومی جامعه، برای حاکم محدودیت ایجاد می‌کند؛ به‌طوری‌که دولت به‌نحوی عمل نکند که عدالت و آزادی شهروندان، فراموش یا قربانی شود.

در نگرش قرآنی، دولت و ساختار سیاسی باید به‌گونه‌ای تنظیم و نهایی شوند که بسترهای عمل به آموزه‌های اسلامی، که مبتنی بر وجود آزادی هستند، فراهم آیند، برای نمونه، امر به معروف، نهی از منکر، مشورت، نصیحت، نقد، گفت‌وگو و تعامل عملیاتی نمی‌شود، مگر آن‌گاه که درصد بالایی از آزادی در جامعه وجود داشته باشد. برای نمونه، در آیات قرآن کریم، نظارت آزادانه بر قدرت حاکمان، آن‌هم از مسیر یک گروه همراه و هم‌فکر و هم‌بسته که قرآن کریم از آن تعبیر به "امت" می‌کند، تاکید بسیار شده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۰۴). حتی در آیه‌ای دیگر همه‌ی امت اسلامی به این فریضه تحریض می‌شوند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۱۰).



گاهی "منکر"، فردی است و گاه سیاسی- اجتماعی. منکر سیاسی گاه می‌تواند یک جامعه را به ورطه‌ی نابودی بکشانند. طبیعی است که گروه و جماعت ناظر قرار نیست که صرفاً به منکرهای فردی بپردازد، بلکه با توجه به وسیع‌بودن دامنه‌ی پیامدهای منکر سیاسی، آن گروه بیش از هر چیز باید به رویارویی با این گونه منکرها بپردازد و با نظارت مستمر جلوی فساد قدرت را بگیرد. عملیاتی کردن و حضور این گروه‌ها در عرصه‌ی اجتماعی و نقش بازی کردن در حوزه‌ی سیاسی، به معنی به رسمیت شناختن حق نظارت بر دولت است که در جامعه‌ی آزاد رخ می‌دهد. علامه طباطبایی (۱۳۸۱) ذیل آیه‌ی ۱۰۴ آل عمران اشاره دارد که این اصل ساده، بهترین و قوی‌تری نیروی نظارتی و بازرسی در جامعه است. نقش نظارتی این آموزه به سان شالوده‌ای است که پایه‌های استوار جامعه بر آن بنا شده‌اند و موجب همگرایی و هماهنگی اجزا و اعضای جامعه می‌گردند (ج ۲، ص. ۲۲۱). بنابراین در نگرش اسلامی، بر همه‌ی رفتارها و گفتارهای دولت نظارت می‌شود و هر جا کاری کند که جلوی آزادی را بگیرد، با مخالفت شهروندان و گروه هم‌بسته روبه‌رو می‌شود. همه‌ی این امر به معروف‌ها، نهی از منکرها، رایزنی‌ها، مشورت دادن‌ها و خیرخواهی‌هایی که در ادبیات قرآنی بر آن تاکید می‌شود، زمانی رخ می‌دهند که زمینه و موقعیتی آزادانه در جامعه فراهم گردد تا بتوان بر مراحل اجرایی قدرت و دولت نظارت کرد؛ در غیر این صورت، با توجه به آن که صاحبان قدرت از ابزار و امکانات زور، اجبار، رسانه، ثروت و نفوذ برخوردارند، غالباً جریان امور را به نفع خود رقم می‌زنند و جالب‌تر آن که حتی چنین ترویج می‌کنند که همه‌ی امور آزادانه اتفاق می‌افتد. اما آن‌گاه که آزادی در تعاملات سیاسی جایگاه خود را پیدا کند، با توجه به انبوه ناظران و چشم‌هایی که در جامعه وجود دارند (مانند مطبوعات، رسانه‌ها، احزاب، گروه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و ...) سوءاستفاده از قدرت و بهره‌گیری ناشایست از آن به سادگی انجام نمی‌پذیرد. طبعاً دولت بهترین ابزار، بستر ساز و تضمین‌گر آزادی می‌تواند باشد؛ امری که لازمه‌ی تشکیل تمدن است. هنگامی که آزاداندیشی به عرصه‌ی اجتماعی- سیاسی، وارد شود و دولت اسلامی تلاش کند تا بر اساس احکام الهی، قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و طراحی الگو کند، می‌تواند با در نظر داشتن راهبردهای عقل جمعی مانند مشورت، مصلحت‌همگانی، همفکری و مشارکت در فرایندی معقول و حساب‌شده و به‌دور از پیش‌داوری، جزم‌اندیشی و خودشیفتگی، مقدمات شکل‌گیری تمدن جدید را پی‌ریزی کند.



این امر را نمی‌توان انکار کرد که یکی از ساحت‌های آزادی در نظام سیاسی اسلام، آزادی گروه‌های سیاسی و فعالیت سالم و سازنده‌ی آنان است، در دولتی که در مدینه و کوفه به‌عنوان دو دولت آرمانی اسلامی تشکیل شد، اعتراض به زمام‌داران و حاکمان، امری مرسوم و پذیرفته شده بود و آنان زمینه‌چین آزادی شهروندان و تضمین‌کننده‌ی آن بوده‌اند؛ این دولت‌ها با کسانی که می‌خواستند آزادی را حتی از مخالفان بگیرند، رویارویی می‌کردند. از سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام و نحوه‌ی برخورد با کسانی که دیدگاه متفاوت یا حتی مخالف داشته‌اند، می‌توان دریافت که مخالفان تصمیم‌های حاکم اسلامی نیز حق اظهار نظر و آزادی بیان داشتند. با برپایی حکومت اسلامی در مدینه، بسیاری از مردم شبه‌جزیره‌ی حجاز به اسلام گرویدند و در فرایند گفت‌وگوی موجود در دولت مدینه حضور یافتند. خداوند به پیغمبر خویش در برخورد با مشرکین و اهل کتاب می‌فرماید: «فَإِنْ خَاجُوكَ فَقُلْ أَسَلَّمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنَ وَقُلْ لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَّمْتُمُ فَإِنْ أُسَلِّمُوا فَسَقِدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ» (آل عمران، ۲۰).

در پایان آیه، خداوند با واژه‌ی "انما" بیان می‌کند که صرفاً رساندن پیام الهی بر عهده‌ی پیامبر است تا آنان به اختیار خود، قول حق را برگزینند. با این وصف است که مناظره، گفت‌وگو و مباحثه در جامعه‌ی آزاد امکان‌مکن می‌شود و مخاطبان می‌توانند با دیدگانی باز، راه درست را انتخاب کنند.

یکی از مصادیق آشکار دولت تضمین‌گر آزادی را می‌توان در برخورد امیرالمومنین علی علیه‌السلام با خوارج مشاهده کرد. ایشان در مسجد کوفه، در حال سخنرانی بودند که یکی از خوارج برخاست و گفت "لا حکم الا لله" و سپس ساکت شد. بعد دیگری و دیگری برخاستند و آن‌گاه که گویندگان این سخن زیاد شدند، حضرت فرمود: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ»؛ و چنین ادامه دادند: «برای شما در نزد ما سه ویژگی و حق خواهد بود: مانع ورود شما به مساجد خدا نمی‌شویم که در آن نماز بگذارید؛ سهم بیت‌المال شما را قطع نمی‌کنیم تا آن‌گاه که دستان شما با ماست (و شورش نمی‌کنید)؛ و آغازگر جنگ نخواهیم بود مگر آن‌که شما شروع‌کننده باشید» (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص. ۳۸۸). این رفتار و گفتار به ما بیان می‌کند که علی علیه‌السلام در اوج قدرت تلاش می‌کند تا فضای آزاد نقد و اعتراض را باز کند و با آن‌که می‌داند آن گروه شورش بر طریق باطل‌اند و سرنوشت خطرناکی در انتظار آنان است، اما تا زمانی که امنیت جامعه‌ی اسلامی را با خطر جدی روبه‌رو نمی‌کنند، آزادی آنان را نمی‌گیرد؛ حقوق آنان را می‌پردازد و از حقوق اجتماعی محروم‌شان نمی‌سازد.

عناصر تمدن‌ساز آزادی در قرآن کریم

انسان، کارگزار آزادی	
چرایی	انسان موجودی انتخاب‌گر / مسئول برای رویارویی با طاغوت / سرنوشت ساز /
مستند	وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶) فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (كهف، ۲۹) ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم / (رعد، ۱۱)
پیامد	پذیرش مسئولیت در قبال امور سیاسی - اجتماعی جامعه
جامعه‌ی آزادی خواه	
چرایی	ضرورت ایجاد فضای رشد برای شایستگان / وظیفه‌ی همگانی برای مطالبه‌ی آزادی / هم‌افزایی برای نیل به آزادی
مستند	وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (شوری، ۳۹) / وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران، ۶۴)
پیامد	احساس مسئولیت همگانی برای طلب آزادی
دولت بسترساز و تضمین‌گر آزادی	
چرایی	فراهم‌سازی انتخاب برتر / زمینه‌چینی برای آزادی جامعه‌ی اسلامی / ضرورت نقد و نصیحت به دولت‌مردان /
مستند	شاورهم فی الأمر (آل عمران، ۱۵۹) / كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران، ۱۱۰) / وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (اعراف، ۶۸)
پیامد	پویایی جامعه‌ی اسلامی، آزاداندیشی / حضور آزادی سیاسی / تشکیل پایه‌های اولیه‌ی تمدن اسلامی



نتیجه

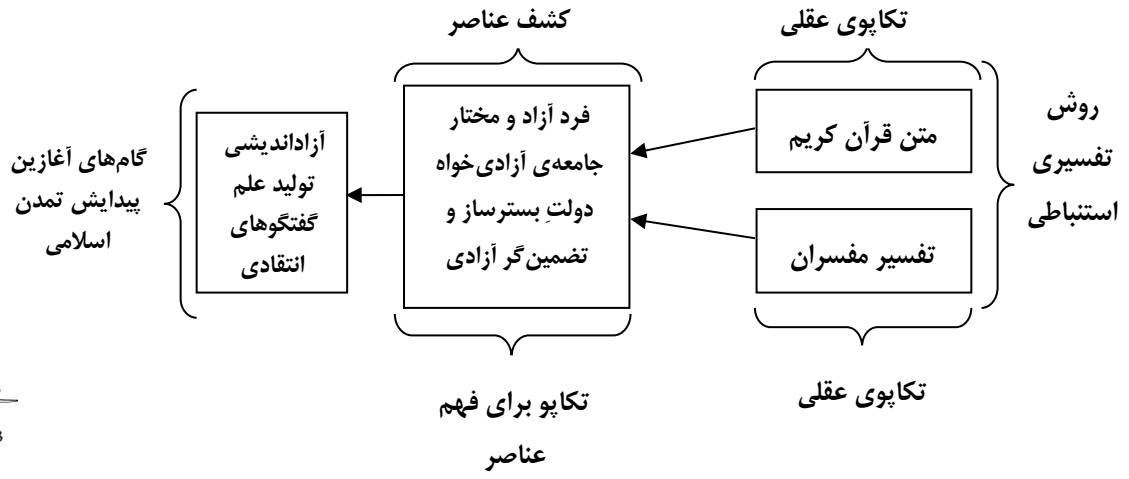
در این نوشته تلاش شد تا این نکته برجسته شود که در قرآن کریم، آزادی سیاسی به‌گونه‌ای در سه‌گانه‌ی فرد، جامعه و دولت تنظیم شده است که می‌تواند زمینه‌ساز

آزاداندیشی، تولید دانش و حرکت به سوی مراحل آغازین تمدن اسلامی گردد. این فرایند، تعاملی و تکاملی است و نه خطی؛ درواقع، آزاداندیشی با حضور آزادی شهروندان و جامعه و آزادی در تعاملات گفت‌وگویی، خود را نشان می‌دهد و همه‌ی این امور به شرط حضور دولت مردم‌سالار امکان‌پذیر می‌شود. شهروندان و جامعه‌ی آزاد و آزادی‌خواه، با ضمانت دولت اسلامی، بستر تضارب آرا و گفت‌وگوهای انتقادی را فراهم می‌کنند و همه‌ی این تعاملات، مقدمه‌ی تولید دانش‌های بومی و کاربردی را فراهم می‌سازد. این امور می‌تواند جامعه‌ی اسلامی را به سوی تمدنی جدید سوق دهد؛ تمدنی که البته غالباً فراملی نیز هست و از همکاری ملت‌های مختلف با ارزش‌ها و فرهنگ‌های مشترک شکل می‌گیرند. آزادی یکی از پایه‌های تمدن است. آن‌سان که این نوع نگرش به آزادی در دولت نبوی و علوی سابقه دارد و سنت و سیره‌ی آن حضرات الگویی برای آغازی دوباره در شکل‌گیری تمدنی اسلامی است.



در رویکرد و تحلیل تمدنی باید دانست که قرآن، کتابی دارای نظام است و فهم نظام‌مند آن، یک امر مهم و کلیدی است و می‌تواند راهبر فهمنده برای دریافت سنجیده از آموزه‌های آن، از جمله آزادی باشد. اندیشه‌ی اسلامی قرآنی، به عرصه‌های مختلف فکری و عملی زندگی انسانی به‌نحو نظام‌واره‌ای توجه کرده است؛ لذا نظم و نظام برآمده از آن، مسیری حساب‌شده به سوی تمدنی متعالی، رشد و پیشرفت را به‌وجود می‌آورد.

رویکرد تمدنی به آزادی سیاسی در قرآن کریم



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آقا بخشی، ع. (۱۳۸۲). فرهنگ علوم سیاسی، ج ۴، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ابن حیون، ن. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. (آ. فیضی، مصحح). (چاپ دوم). قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ابن مسکویه، ا. (۱۴۳۹ق). المهامل و الشوامل. قاهره: لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- ابوداود، س. (۱۳۷۲). سنن أبي داود. قم: انتشارات دارالحديث.
- احمدی میانجی، ع. (۱۳۹۶). مکاتیب الرسول. (ج ۱). قم: انتشارات دارالحديث.
- بابایی، ح. ا. (۱۳۹۳). کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- برلین، آ. (۱۳۷۹). چهارمقاله درباره آزادی، ترجمه: محمد علی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بهمنی، م. ر. (۱۳۹۸). از واژه‌پردازی تا رویکرد تمدنی. در: چیستی تمدن. (م. ح. صالحی، مترجم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پاول، ر. ا. (۱۳۹۸). تبارشناسی تمدن. در: چیستی تمدن. (م. ح. صالحی، مترجم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جعفری، م. ت. (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. (ج ۶). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، ع. ا. (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا. (ع. ر. روغنی، محقق). قم: اسراء.
- جیکوبسن، ا. پ. (۱۳۹۸). مساله تمدن. در: چیستی تمدن. (م. ح. صالحی، مترجم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- رشید رضا، م. (۱۴۱۷ق). تفسیر المنار. (ج ۴). بیروت: دارالمعرفة.
- صدر، م. ب. (۱۴۲۸ق). المدرسة الإسلامية (موسوعة الشهيد الصدر). قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد صدر.
- صدر، م. ب. (۱۹۸۱/۱۴۰۲). المدرسة القرآنية. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، م. ب. (۱۴۱۲ق). الحرية في القرآن. (چاپ چهارم). بیروت: دارالزهراء.
- صفار، ح. (۲۰۱۰م). التعددية و الحرية في الإسلام: بحث حول حرية المعتقد و تعدد المذاهب. بیروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۸۱). الميزان في تفسير القرآن. (ج ۲). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- کالینگوود، آ. ج. (۱۳۹۸). تمدن. در: چیستی تمدن. (م. ح. صالحی، مترجم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- گرنسون، موريس. (۱۳۷۰). تحلیلی نوین از آزادی؛ ترجمه: جلال‌الدین اعلم، تهران: امیرکبیر.
- مدرسی، م. ت. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محیی‌الحسین.





- مزلیش، ب. (۱۳۹۸). فرایند تمدن‌ساز. در: چیستی تمدن. (م.ح. صالحی، مترجم). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مزلیش، ب. (۱۳۹۸). فرایند تمدن‌ساز. در: چیستی تمدن. (م.ح. صالحی، مترجم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مطهری، م. (۱۳۷۰). فطرت. (چاپ دوم). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۷۳). گفتارهای معنوی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۷۵). جامعه و تاریخ. (چاپ ۱۳). قم: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۸۷). پیرامون انقلاب اسلامی. (چاپ ۱۲). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۹۶). آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۶۸). آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
- معموری، ع. (۱۳۷۹). اندیشه سیاسی سید محمدباقر صدر. قم: انتشارات اشراق (دانشگاه قم).
- موسوی زنجانی، ا. (۱۳۴۰). حریت در نظر اسلام. در: مکتب تشیع، شماره ۳.
- میراحمدی، م. (۱۳۸۱). آزادی در فلسفه سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب.
- نایینی، م.ح. (۱۳۵۸). تنبیه الامة و تنزیه الملة. (م. طالقانی، تصحیح). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نصر، ح. (۱۳۸۵). اسلام مذهب، تاریخ و تمدن. (ع. گیلوری، مترجم). تهران: انتشارات دبیرش؛ روزبهان.
- نوری، ح. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتین.
- یوکیچی، ف. (۱۳۷۹). نظریه تمدن. (چاپ دوم). (چ. پهلوان، مترجم). تهران: نشر گویو.
- Young, I. M. (1990). "Five Faces of Oppression", Justice and the Politics of Difference". Princeton: Princeton University press.
- Sen, A. (2000). *Development as Freedom*. New York: Anchor Books.
- Taylor, C. (1985). "What's Wrong With Negative Liberty?", Philosophy and the Human Sciences. in Philosophical Papers. London: Cambridge.



سال بیست و دوم / شماره هشتادوهم / پاییز ۱۳۹۸

References

- The holy Quran
- Nahj al-Balagha
- Aboudwood, Q. (1372 SH). The old tradition. Qom: Dar al-Hadith Publications.
- Ahmadi Miyanji, A.S. (1396 SH). Makatib al-Rasoul. (C. 1). Qom: Dar al-Hadith Publications.
- Avicenna (1439 AH). El Hawamel and Al Shawamel. Cairo: Writing and Translation Sludge.
- Baba, H. (1393 SH). Theoretical Explorations in Theology and Civilization. Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
- Bahmani, M.R. (1398 SH). From word processing to the civilization approach. In: What is civilization. (MH Salehi, Trans.). Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
- Berlin, A. (1379 SH). Four Articles on Freedom, Translated by: Mohammad Ali Movahed, Tehran: Kharazmi Publications.
- Collingwood, I.A. (1398 SH). Civilization. In: What is Civilization. (MH Salehi, Trans.). Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
- Grenson, Morris (1370 SH). A New Analysis of Freedom Translated by: Jaleleddin Aalam, Tehran: Amir Kabir.
- Ibn Hyun, N. (1385 AH). Prayers. (S. Faizi, editing). (second edition). Qom: Albalite Institute.
- Jacobson, E.P. (1398 SH). The Problem of Civilization. In: What is Civilization? (MH Salehi, Trans.). Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
- Jafari, M.T. (1375 SH). Translation and Interpretation of Nahj al-Balagha. (C. 6). Tehran: Islamic Culture Publication Office.
- Javadi Amoli, C.A. (1381 SH). Relationship between Religion and World. (AR Roughani, Researcher). Qom: Asra'.
- Maamori, AS. (1379 SH). Seyyed Mohammad Bagher Sadr Political Thought. Qom: Eshragh Publications (University of Qom).
- Mazlich, B. (1398 SH). The Process of Civilization. In: What is Civilization. (Salehi, Trans.). Qom: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Mazlich, B. (1398 SH). The Process of Civilization. In: What is Civilization. (MH Salehi, Trans.). Qom: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Mir Hammadi, M. (1381 SH). Freedom in Islamic Political Philosophy. Qom: Book Garden.
- Modarresi, M.T. (1419 AH). From huda al-Qran. Tehran: Dar Mohebbi Hossein.
- Motahari, M.P. (1368 SH). Introduction to the Quran. Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, M.P. (1370 SH). Fitrat. (second edition). Tehran: Sadra Publications.





- Motahari, M.P. (1373 SH). Spiritual Speeches. Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, M.P. (1375 SH). Society and History. (Print 13). Qom: Sadra.
- Motahari, M.P. (1387 SH). On the Islamic Revolution. (Print 12). Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, M.P. (1396 SH). Introduction to the Quran. Tehran: Sadra Publications.
- Mousavi Zanjani, A. (1340 SH). Shame on Islam. In: Shia School, No. 3.
- Naini, M.H. (1358 SH). Alert the nation and excuse the religion. (M. Taleghani, correction). Tehran: Publishing Joint Stock Company.
- Nasr, H. (1385 SH). Islam Religion, History and Civilization. (A. Gilory, Trans.). Tehran: Debizesh Publishing House, Roozbehban.
- Noori, H. (1408 AH). Predictors of Practices and Predictors of Practices. Qom: Ahl al-Bayt Institute.
- Powell, R.A. (1398 SH). The Genealogy of Civilization. In: What is civilization. (MH Salehi, Trans.). Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
- Rashid Reza, M. (1417 AH). Commentary on Almanar. (C. 4). Beirut: Dar al-Ma'arraf.
- Sadr, M.B. (1412 AH). Al-Harri fi al. (fourth edition). Beirut: Dar al-Zahra.
- Sadr, M.B. (1428 BC). The Islamic School (Mwasueat of the Martyr Al-Sadr). Qom: The Center for Research and Specialized Studies of the martyr Sadr.
- Safar, H.A. (2010ma). al-Taeadudiat w al-Huriyat fi al'Islam: Bahath Hawl Huriyat al-Muetaqad w Taeadud al-Madhahibi. bayrut: al-Hadarat li-Tanmiat al-Fikr al'Islamy Centre.
- Sir Bakhshi, A.S. (1382 SH). Culture of Political Science, Ch 4, Tehran: Iran Scientific Information and Documentation Centre
- Tabatabaei, A.D. (1381 SH). Almizan fi-Interpretation of the Qur'an. (C 2). Qom: Ismaili Press Institute.
- Yukichi, F. (1379 SH). Theory of Civilization. (second edition). (Ch. Gladiator, Trans.). Tehran: Giv Publishing.